

HAJAMA

Sympathisanten der revolutionären
Bewegung Afghanistans

هواداران جنبش انقلابی مردم افغانستان (هجاما)

به مناسبت چهل و یکمین سالروز شهادت شهید عبدالمجید کلکانی بنیانگذار و رهبر سازمان آزادی بخش مردم افغانستان ساما و جبهه متحد ملی افغانستان .

وحدت مردم ما پاد زهر توطئه های دشمنان افغانستان است

اوضاع فعلی کشور ما :
پیش درآمد :

کشور ما اکنون در برهه ای حساس و مرحله تاریخی و سرنوشت سازی قرار دارد .
تجاوز امریکا - ناتو که بتاريخ ۷ اکتبر سال ۲۰۰۱ زیر نام مبارزه علیه تروریسم شروع شد ، با خاصیت و ماهیت غارتگرانه و خانمانسوز در اصل برای رسیدن امریکا و متحدین غربی اش به اهداف استراتژیک - اقتصادی و رقابت های امپریالیستی برای تقسیم منابع طبیعی و سلطه بر بازار های منطقه ، با رقبای کنونی شان چین و روسیه براه انداخته شد .
در این جنگ نیرو های اشغالگر در هیئت ناجی ، بانی صلح و صادر کننده دموکراسی داخل کشور مآشندند تا بزعم خودشان جلو ترور ، وحشت ، آدم کشی و بربریت را بگیرند .
جلسه پیترزبرگ بن با پلان هدفمند همکاری و تبنانی ارتجاع و امپریالیسم ، برخلاف اراده ای مردم ما ، در عدم حضور نیرو های ملی و وطنپرست ، همانطوریکه انتظار می رفت ، مرتجعین و وابسته ، مزدور و خودفروخته ، جنایتکاران جنگی دهه های پیشین و فریب خوردگان زرق و برق غرب زده را به اریکه ای قدرت نشانند . با ایجاد یک حکومت بی کفایت و بی صلاحیت مردم و کشور ما وارد مرحله دیگری از وابستگی ، جنگ و بدبختی شدند .
دولت افغانستان در مدت ۲۲ سال اخیر در گیر جنگ های درونی تقسیم قدرت و امکانات مادی است . جنایتکاران جنگی یک شبه زیر سایه دموکراسی صادر شده غربی به نکتایی پوشان دموکرات تبدیل شدند و برداشت و فهم شان از دموکراسی شرکت در انتخابات نام نهاد و سو استفاده و تقلب رای مردم است . فساد اداری مزمن و فلج کننده ارکان دولت با حیف و میل کردن کمک های مادی که به افغانستان سر ازیر شد ، یکی از دلایل اقتصاد مصرفی بدون زیر بنا وزیر ساخت و وابسته در کشور ما است . مردم ما متأسفانه هنوز زیر خط فقر و بدبختی بسر میبرند .
موج سوم پاندمی کرونا در کشور ما روزمره باعث ابتلا بیشتر مردم به این مرض کشنده می شود و کمبود و در اکثر نقاط کشور نبودن هیچ نوع امکانات صحی میزان مرگ و میر را به شدت بالا برده است . عمق فاجعه این است که جنگ و بدبختی از سال ها بدینسو از مردم ما روزمره آنچنان قربانی می گیرد که این پاندمی در صدر مشکلات مردم ما مانند سایر نقاط جهان قرار ندارد .
طالبان که بدلیل تمرد از احکام ولینعمت مورد خشم امریکاییان قرار گرفته بودند با فرار به آنسوی مرز ها و به کمک پاکستان دوباره تجدید قوا کردند و در تمام این مدت زیر نام جنگ علیه امریکا و ناتو به

حملات دهشت افگانه، تروریستی و انتحاری علیه مردم مایرداختند و مردم روزمره قربانی این اوضاع نابسامان میشوند.

امریکایی ها و نیرو های ناتو در جریان این دودهه مرتکب جنایات بیشمار جنگی شدند. بمباردمان های وحشیانه ای محافل عروسی و خاکسپاری مردم، بمباردمان مکاتب و شفاخانه ها، شکنجه و زندانی ساختن مردم بیگناه، حمله به خانه های مردم در قریه جات، استفاده از طیاره های بی سرنشین و به قربانی گرفتن پیر و جوان و کودکان با این وسیله منفور قتاله، تجاوز، هتک حرمت، تحقیر و توهین مردم برای شکستن روحیه مردم و برای فرونشاندن عطش سادیستی خود شان، شماری از این موارد است.

در جریان این دودهه کشور ما برای مافیای فروش سلاح بهترین بازار فروش و لابراتوار امتحان انواع سلاح کشنده و مرگبار منجمله مادر بم هاشد.

رشد و ترویج بی سابقه کشت کوکنار جنایت بزرگ و نابخشودنی دیگری در حق مردم ما و مجموع بشریت است. مافیای بین المللی موادمخدر به همکاری همدستان بومی شان، صدها هزار هموطن ما را اعم از زن و مرد و طفل معتاد و آنها و خانواده هایشان را به سرنوشت دردناکی مواجه ساختند. مزارع سرسبز و آباد حیوانات را به کشتزار های زهر آگین کوکنار مبدل کردند تا برای فرونشاندن عطش منفعت طلبی خود، نه تنها مردم ما را با زهر اعتیاد مسموم سازند، که اقتصاد زراعتی خودکفای مردم را ضربت زده و وابستگی اقتصادی را شدت بیشتر بخشند. اگر در سال ۱۹۹۲ افغانستان یکی از کشورهای مهم تولید کننده موادمخدر بود، بعد از سال ۲۰۰۱ در صدر کشور های تولیدکننده قرار گرفت. چنانچه حضور نیروهای خارجی در ولایات افغانستان تاثیر مستقیم به افزایش تولید تریاک داشت و هلمند که بیشترین نیروهای خارجی امریکایی و انگلیسی در آن حضور داشتند ۵۰ فیصد تریاک افغانستان را تولید می کند.

اکنون بعد از ۲۲ سال حضور فعال نظامی امریکا - ناتو، بتاريخ اول ماه مه میلادی سال جاری عساکر امریکایی، شروع به خارج شدن از افغانستان کردند و هم پیمانان شان سایر کشور های ناتو نیز با پشتیبانی از این روند، افغانستان را ترک می کنند. بقرول رییس جمهور امریکا (بایدن) امریکا با قتل (اسامه بن لادن) به هدف مبارزه علیه تروریسم خود رسیده است؟! باز هم یک ابر قدرت دیگر با هم پیمانان اش بعد از سال ها غارت و اشغال سرافکنده و شرمنده گورشان را از سرزمین ما گم می کنند. از بوق و کرناهای مافیای دستگاه های تبلیغاتی سال ۲۰۰۱ دیگر خبری نیست. اکنون آن سروصدا ها به سکوت محیلا نه و بیشرمانه ای مبدل شده است. چون خلاف آن سروصدا ها و ادعا ها امریکا در افغانستان تروریسم، طالب و ارتجاع راسرکوب نکرد، هیچ نوع برنامه و پلانی برای آبادانی افغانستان نداشت. برعکس مردم ما را در سراب دروغین دموکراسی و در بیابان های سوزان جنگ در عطش صلح و آرامش سرگردان نمود.

صلح امریکا با طالبان :

طرحی که زیر نام تلاش برای رسیدن به صلح در افغانستان روی آن کار میکنند و قربانی پروسه و نتایج آن باز هم سرنوشت مردم و آینده کشور ما است، در واقع مرحله جدیدی از مناسبات بین المللی، تقسیم قدرت و ارایش نوین نیرو ها است و ریشه در منافع انی و اتی بازیگران و طراحان اصلی آن دارد. مذاکرات نماینده خاص امریکا (خلیل زاد) در قطر پشت در های بسته با طالبان بدون وقعی گذاشتن به دولت دست نشانده خودشان - دولت (اشرف غنی) منجر به امضای قرارداد ننگین صلح دوحه میان امریکا و طالبان شد.

قطر نخستین کشوری بود که در ۲۸ جوازی سال ۱۳۹۲ دفتر سیاسی طالبان در آنجا گشایش یافت و این شروع دادن یک هویت سیاسی به یک گروه جنایتکار تروریست بود. ناگفته نماند که قطر از جمله سه کشوری است که امارت اسلامی طالبان را در زمان اش هم برسمیت شناخته بود.

امریکایی ها بعد ها از اینکه مولود شیطانی و همدست قدیمی شان طالبان را در کنفرانس بن شریک قدرت نساخته بودند، اظهار تاسف کردند ولی از انجاییکه در ان زمان دستاویزی برای حمله به افغانستان و اشغال نظامی آن ضرورت داشتند، این امکان برایشان وجود نداشت.

پروژه طالبان در اصل کار مشترک انگلیس، آمریکا و پاکستان با پشتیبانی اقتصادی عربستان است. به قدرت رسانیدن طالبان در سال ۱۹۹۶ در افغانستان در شرایط نارامی ها و جنگ های قدرت طلبانه تنظیم های اخوانی که کابل را به ویرانه مبدل کرده و با راکت پرانی و جنگ های خانه به خانه دمار از روزگار مردم کشیدند، اتفاق افتاد. چون شرکت امریکایی یونیکال برای انتقال پایپ لاین نفت و گاز ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان و هند به همکاری طالبان برای فراهم ساختن این زمینه ضرورت داشت.

امریکا هیچگاه تصمیم سرکوب جدی این گروه را نداشت. از آنجائیکه بقول دیک چینی امریکایی ها دوست و دشمن دائمی ندارند و فقط منافع دائمی برایشان مطرح است. به همین دلیل هم طالبان را به عنوان شمشیر داموکلس بالای سر حکومت دست نشانده به عنوان جانشین احتمالی و برای مردم ما که خاطرات وحشتناکی از دوران امارت این گروه شرارت پیشه و وحشی در حافظه تاریخی خود دارند، به عنوان اله فشار در سالهای سلطه استعماری شان نگهداشتند که اگر ما افغانستان را ترک بگویم، طالبان دوباره به قدرت میرسند.

صلح امریکا با طالبان بار دیگر تبنانی و همدستی استعمار با جناح افراطی ارتجاعی، عقب گرا و مزدور منش است. امریکا در طولانی ترین و پیر مصرف ترین جنگ اش شکست خورد و چون برای مقابله با رقبای امپریالیستی اش روسیه و چین ضرورت به صف آرایی های جدیدی دارد، اکنون با مولود خودساخته، دوست قدیمی، دشمن مقطعی و هم پیمان جدید شان طالبان قرارداد بستند که اکثر بند ها و مواد آن هنوز علنی نشده است.

طالبان علیرغم سروصدا های شان که گویا علیه نیروهای خارجی و بیگانه می جنگند، به اساس مواد این توافقنامه عملا وظیفه دفاع از پایگاه های استراتژیک امریکا در برابر سایر همتا های شورشی شان را به عهده گرفته اند. به اساس ادعای شرکت ملیشه بلک و اثر امریکایی، طالبان در بدل پول کمتر قرداد های که قبلا این شرکت با دولت امریکا داشت، را به عهده گرفته است. دولت ترامپ برخلاف اصول مذاکراتی خودشان با یک گروه تروریست روی میز مذاکره نشست و این گروه شکست خورده، منفور و متواری را هویت سیاسی داد و در سطح و موقف اپوزیسیون بالا آورد.

امریکایی ها با بردن توافقنامه ننگین دوحه به شورای امنیت سازمان ملل و تصویب قطعنامه شماره ۲۵۱۳ شورای امنیت، طالبان را در سطح بزرگتری به عنوان گروه غیر تروریستی رسمیت داده و اعاده حیثیت!! کردند. بانکه دیده بان شورای امنیت ملل متحد ادعا کرده است که رهبران القاعده هنوز هم در افغانستان حضور دارند و از سوی طالبان محافظت می شوند ...

همین نوع برخورد در سال ۲۰۱۷ با گلبدین حکمتیار، جلاذکابل و نوکر سرسپرده ای اس ای پاکستان نیز صورت گرفت. گلبدین هم که در کنفرانس بن شرکت داده نشده بود بعد یک دوره تمرد، زیر نام صلح با حکومت کابل به امریکا تسلیم شد و زیر سایه ای بادار به جاه و حشمت رسید و اعاده حیثیت شد!!

اینرو زها باز هم گلبدین کنجاره خواب می بیند، بعد از سفر های متعدد به پاکستان، باز هم وظایفی از جانب ولینعمت در پروسه نامنهاد صلح به عهده گرفته است و در صدد و ارزوی عملی کردن آنها است. زهی بیچارگی و بدبختی مردم ما که حجامان و جلاذان بر سرنوشت شان تصمیم می گیرند. صلح از نظر امریکا یعنی تقسیم قدرت و چوکی میان مجریان و عاملین جنایت و ترور در کشور ما باتضمین منافع استعمارگر و باج دهی به همسایگان افغانستان است.

نقش دولت کابل :

در این سناریو دولت افغانستان که در اول از مذاکرات صلح کنار گذاشته شده بود، بعدا با تشکیل شورای عالی مصالحه و وزارت صلح شامل این روند شد ولی با همه طول و عرض، این دستگاه بی کفایت، صلاحیت مذاکرات مستقل و مهمتر از آن طرح و بدیل برای صلح عادلانه ندارد. دولت وابسته باضعف و فساد بینظیر اداری، شیوه های کار مافیایی و چند پارچگی درونی توانمندی تامین امنیت

مردم را ندارد. مردم دولت را به فرستادن اردو به قربانگاه های توطئه و فریب متهم می‌کنند و بار ها حکومت را حامی، همدست و حتی مجری ترور دانسته اند.

موازی با پروسه مذاکرات نام نهاد صلح ترور، وحشت و اختناق بشدت افزایش یافته است. قتل های زنجیره ای و هدفمند فعالین زن، ژورنالیستان، افراد روشنگر و اعضای خانواده هایشان، به قتل رسانیدن منتقدین مذهبی با صبغه ملی که دیدگاه هایشان را در رابطه به اوضاع جاری کشور بیان می‌کنند، به هدف ایجاد ترس و رعب و برای شکستن روحیه مقاومت مردم جریان دارد.

قتل و کشتار نونهالان معارف در نقاط مختلف کشور از جمله حملات در مکاتب و پوهنتون کابل و بخاک و خون کشانیدن محصلین و شاگردان که اکثریت شان راهم دختران تشکیل می‌دهند، ضایعه بزرگ و جفا و جنایت بزرگ و نابخشودنی در حق مردم است. جوانانی که تحت مرگبار ترین شرایط امنیتی و با وجود بزرگترین مشکلات اقتصادی و فقر با عشق بینظیر به آموزش و تعلیم راهی مکتب و کورس و فاکولته میشوند ولی غول جهل و ظلمت و عطش قدرت و سلطه جویی جوانی و زندگی و آرزو هایشان را پایمال می‌کند و بخون می‌کشد.

مردم ما سوگوار این نهال های شکسته ای هستند که آرزوی بارور شدن شانرا در دل میپروراندند. فریاد دادخواهی مردم، پیامک «جان پدر کجاستی؟» و کتابچه های خون الودقر بانیان صفحه ای ثبت شده در حافظه تاریخی مردم است دیر یا زود عاملین این جنایت جنگی پای محکمه عدالت مردمی پاسخ گو خواهند بود.

(خلیل زاد) نماینده شاید امریکا حمله اخیر به مکتب غرب کابل را به داعش نسبت می‌دهد و مذبحخانه تلاش می‌کند لکه های خون مردم را از توافقنامه ننگین صلح پاک کند و پای طالب را از این جنایت بکشد. سوال این است که داعش سر در کدام اخور دارد؟ گویی مردم ما نمیدانند که در نهایت امر همه دشمنان شان در یک صف ایستاده اند!

با تاسف دولت کابل صلاحیت و کفایتی جز تقبیح و محکوم کردن این اعمال را ندارد. خط سرخ های که (اشرف غنی) در معاملات صلح با طالبان دارد، بار هارنگ باخته است. شخص ریس جمهور بخاطر منافع شخصی خودش حاضر به امضای هر نوع قرارداد و معامله است.

سفر اخیر جنرال (قمر باجوه) با همتای انگلیسی اش به کابل و مذاکرات پشت پرده شان باغنی و عبدالله که بعدا در سطح مطبوعات کشور و دنیای مجازی موارد احتمالی توافقات آن بحث برانگیز شد نشانگر مغشوش شدن خط های دیگری ریس جمهور برای ادامه حضورش در قدرت است. چنانچه به ادامه این بازدید ایجاد شورای عالی دولت و دادن سهم مهم به گلبدین و کرزی در این شورا، افرادی که پاکستان و لینعمت شان است می‌تواند به معنی دادن چراغ سبز همکاری و همدستی با پاکستان باشد.

نقش نیرو های دفاعی ارتش افغانستان :

قبل از کودتای ثور در دوران جمهوریت سردار داود خان و پیشتر از آن در زمان سلطنت دودمان طلایی، همواره از اردو و پولیس به عنوان چماق سرکوب مردم استفاده می‌شد. بعد از کودتای منحوس ثور و تجاوز روسها به کشور ما اردو را سلب هویت ملی کرده و به عناصر تاج بخش و تاج گیر دلچکان و ظن فروش خلقی - پرچی مبدل ساختند. ولی افراد ملی و وطنپرست همواره در اردوی افغانستان وجود داشتند و دارند. آنها در تمام دوره های تاریخ و وظایف ایمانی و وجدانی شانرا فراموش نکردند. چنانچه در دوران تجاوز روسها بار ها عساکر و صاحبمنصان و وطنپرست در کنار مردم و علیه تجاوز ایستادند.

امریکا و ناتو بعد از اشغال کشور ما زیر نام ایجاد اردو اساسا در تلاش ایجاد یک اردوی معاش گیر و وابسته و فاقد هویت ملی بودند. ناتو با تکیه و تاثیر پذیری از معلومات پاکستان برای افغانستان ارتش سازی کرد و پاکستان پلان های خود را در این عرصه عملی ساخت. طرح اختیاری بودن سربازی از طرف ناتو برای کشور ما بدیل مناسب نبود. چون داوطلبی عضویت اردو بیشتر برای مزدگیری بود.

عدم صلاحیت و عدم قاطیعت دولتمردان در امر مبارزه مستقل علیه تروریسم، وابستگی و نداشتن استقلال عمل در میدانهای جنگ، فساد رشوه خواری و کارا نبودن فرماندهان بلند مرتبه ارتش بارها و بارها باعث قربانی شدن سربازان و شکست شان در میدانهای نبر شده است. سربازان اکثرا از

خانواده های فقیر و بی بضاعت استند که معاش سربازی را برای اعاشه خانواده هایشان ضرورت دارند و همین ها هم گوشت دم توپ و قربانی حملات طالبان و سایر تروریست ها استند. تنها در طول ۴ سال حکومت (اشرف غنی) ۵۰ هزار سرباز جان های شان را از دست دادند و خانواده های شان را سوگوار ساختند. اگر این ۵۰ هزار عسکر اردو بجای جنگیدن زیر فرمان قوای بیگانه و سرقومندان بی کفایت دست نشانده، خون هایشانرا برای رسیدن به آزادی واقعی در برابر بیگانه و وابستگان رنگارنگ شان می ریختند، دست آورد خون هایشان متفاوت می بود.

با وجود همه ضعف و مشکلاتی که ارتش افغانستان با آن مواجهه است عناصر ملی و وطنپرست در داخل اردو وجود دارند. درس آموزی از تجارب خونین جنگ های ۲۰ ساله در صفوف ارتش میان سربازان و عده ای از افسران ارتش، تفکر ملی گرایانه و اتکا به نیرو و منابع خودی را تقویت نموده است و به همین دلیل هم این ارتش خار چشم طالب و دولت پاکستان است و در تلاش و آرزوی ضعف، نابودی و انحلال آن استند.

ایجاد یک اردوی ملی و وطنپرست که دفاع از سرزمین، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و بلاخره آزادی ملی وظیفه اش است پروسه است که چشم انداز آن هنوز دور است. این پروسه مستلزم رشد و استحکام نیروهای ملی و وطنپرست و در قدم اول ایجاد وحدت ملی می باشد.

نقش همسایگان افغانستان در پروسه صلح امریکایی:

کشور های همسایه و ذیدخل در قضایای افغانستان با کمال تاسف در قدم اول ب فکر تامین منافع و اولویت های خود استند. روسیه و چین دو رقیب امپریالیستی امریکا از جابجا شدن داعش در شمال افغانستان احساس خطر می کنند و آمادگی های خود را دارند. روسیه آماده ارائه کمک های نظامی به کشورهای همجوار افغانستان، منجمله ایجاد پایگاه نظامی در تاجیکستان است.

چین تاکنون مستقیماً دست به جنگ و اشغالگری نزده است ولی در شمار بزرگترین صادرکننده های سلاح می رود و از جمله اولین صادرکننده سلاح به پاکستان است. ولی چین به عنوان بزرگترین غول اقتصادی برای گسترش بازار هایش تا اقصی نقاط دنیا به غارت اقتصادی می پردازد. از جمله طرح کمربند راه ابریشم جدید، بازار یابی و تسلط بیشتر چین در آسیای میانه است. آنچه آتش رقابت های امریکا با چین را در منطقه بیشتر دامن میزند.

ایران از سوی در مخالفت با ناتو و امریکا، طرفدار خروج نیرو های امریکایی از افغانستان است و از سال ۲۰۱۴ بدینسو رسماً با طالبان روابط دوستانه دارد آنها را با سلاح های مدرن منجمله تک تیرانداز ها تجهیز می کند. دولت افغانستان در اسناد رسمی منتشر شده ادعا می کند که ایران از سال ۲۰۰۷ بدینسو در نکات مختلف افغانستان به تجهیز طالبان پرداخته اند. و از سوی دیگر با سو استفاده از احتیاجی و مشکلات اقتصادی مهاجرین افغان در بدل پول و یا اجازه اقامت به خانواده هایشان، جوانان افغان را جذب لشکر فاطمیون نموده و در جنگ سوریه گوشت دم توپ میسازد. اکنون هم در داخل افغانستان ستون پنجمی های خود را به جنگ های داخلی تشویق و پشتیبانی می کند.

پاکستان از بدو تاسیس اش از موجودیت یک افغانستان مستقل و قدرتمند در کنار خود ترس دارد و همواره در دوره های مختلف کوشیده است در کشور ما ایجاد ناامنی کند. از کودتای ثور و آغاز مقاومت ضد روسی بدینسو بانی، پشتیبان و میزبان احزاب ارتجاعی بود بعد هم در پروسه ایجاد، به قدرت رسانیدن و دوام طالبان نقش داشت. اکنون پاکستان در درون کشور خودش معضلات زیادی دارد و بیشتر از هر وقت دیگر می خواهد توجه مردم کشورش را به اختلافات دایمی با هند معطوف کند و زیر نام همکاری برای پروسه صلح امریکایی می خواهد از کشور ما برای جنگ نیابتی علیه هند استفاده کند. خواب و خیال های پاکستان برای انحلال اردوی افغانستان یا احتمال تربیت اردوی افغانستان زیر دست پاکستان، امتداد استخبارات پاکستان در داخل افغانستان، باعث خوش خدمتی های بیشتر پاکستان به امریکا شده است. طرح ساختن پایگاه نظامی از طرف امریکا در خاک پاکستان می تواند عواقب دردناکی برای پاکستان داشته باشد به مصداق مثل مشهور چاه کن در چاه،

امکان اینکه پاکستان نتیجه خوش خدمتی و بازی با دم اژدها را به بهای اسارت محتوم خودش به امپریالیسم امریکا بپردازد محتمل است .

بهر حال همسایگان ما متأسفانه علاقه ای به صلح واقعی و عادلانه در کشور ما ندارند و به هیچ صورت نقش شان مثبت و خیر خواهانه نیست و احتمال اینکه کشور ما به میدان جنگ های دوامدار نیابتی میان کشور های مختلف مبدل شود وجود دارد .

از سوی هم دست درازی های همسایگان و استعمارگران از طریق ستون پنجمی هایشان در کشور ما و بسیج کردن مردم دور محور های قدرت قومی و منطوقی و ایجاد نفاق میان اقوام و ملیت های برادر می تواند زمینه ای جنگ های خونین داخلی و برادر کشی هارا مساعد سازد .

صلحی که اکنون اواره و متواری میز های دوحه ، استانبول و وو ... است صلح غیر عادلانه، غیر شرافتمندانه تحمیلی و ظالمانه و آبستن جنگ های نوین در بطن اش است . این صلح از هم اکنون قبل از تولد به بن بست رسیده است . بن بست کنونی در پیروسه صلح امریکایی، بن بست و شکست تبانی های استعمار با ارتجاع در کشور ما است .

کوچ مذاکرات صلح از میزی به میز دیگر و از کشوری به کشور دیگر در ذات و محتوی مذاکرات تاثیری ندارد . چه مذاکرات در دوحه ادامه پیدا کند و یا به استانبول برود و اگر هم ملل متحد مدیریت این مذاکرات را در استانبول به عهده بگیرد تفاوت ها صوری خواهند بود (تجارب تاریخی شاهد این مدعا است) . زیرا مردم افغانستان و نمایندگان واقعی شان یک طرف مذاکره نیستند . طرفهای مذاکره کننده ارتجاع و وابسته به استعمار است با جامه های متفاوت ولی خرام همسان . هدف مذاکرات در خدمت صف آرایی تازه استعمار ، تقسیم قدرت و چانه زدن روی سهم و اندازه قدرت و باج دهی به کشور های همسایه و ذیدخل و میزبان خواهد بود . جای یک بدیل ملی ، مردمی و انقلابی در میز مذاکرات خالی است .

بدیل ملی و انقلابی :

مردم ما و کشور ما نیازمند صلح واقعی - عادلانه و شرافتمندانه استند . صلح عادلانه و شرافتمندانه مستلزم خروج همه نیرو های اشغالگر با همه پرسونل و دم و دستگاه جاسوسی و استخباراتی شان از کشور ما و کوتاه شدن دست مداخله اجانب و همسایگان در امور داخلی کشور ما است . حفظ بیطرفی فعال و عدم انسلاک اجازه ندادن به استفاده خاک کشور ما برای جنگ های نیابتی است . صلح عادلانه به معنی محاکمه همه جنایتکاران جنگی ۴ دهه اخیر در کشور است .

معیار های صلح عادلانه و شرافتمندانه و محل و زمان مذاکرات را باید مردم و نمایندگان واقعی شان تعیین کنند . نمایندگان واقعی مردم افغانستان نیرو های ملی-مترقی ، روشنگر ، غیر وابسته به بیگانگان ، متکی به مردم افغانستان و کسانی استند که بدون هیچ نوع ممانعت ، با استعمار و جرثومه های ارتجاعی آن برخورد ریشه ای می کنند و در سنگر دفاع از منافع ملی - تاریخی و دراز مدت مردم ایستاده اند .

از آغاز کودتای ننگین ثور و بدنبال آن تجاوز ارتش اشغالگر شوروی به کشور ما نیرو های ملی و انقلابی ، نسلی از روشنفکران از ادیخواه با دیدگاه ها و اهداف روشن به سازماندهی خود و مردم پرداختند و با عشق بزرگ به آزادی ملی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی مبارزه آگاهانه و هدفمند خود را در برابر متجاوزین آغاز کردند .

اسناد و مدارک معتبر و مدون که مصداق و بیانگر این خط فکری است ، هنوز هم با وجود گذشتن سال های متمادی روشنترین و دقیق ترین طرح هارا برای بیرون شدن از بن بست های که حاصل و نتیجه به بیراهه کشانیدن جنبش می باشد ، ارائه می دهد .

(شهید عبدالمجید کلکانی) رهبر سازمان آزادی بخش مردم افغانستان در اولین اعلامیه تشکیل این سازمان خط روشن و دقیقی میان مردم و دشمنان مردم کشیده است . در این خط کشی دقیق نه تنها امپریالیسم تجاوزگر روس ، بلکه امپریالیسم امریکا را که با سرمایه گذاری، روی نیروهای وابسته ارتجاعی برای مقابله با حریف و رقیب روسی اش جنگ آزادیبخش ملی مردم ما را محتوی زدایی کرده ، به وابستگی محتوم می کشد ، افشا می کند .

«خلق قهرمان افغانستان بیشتر از یکسال بدینسو -به پله توفانی نبرد خونین و سرنوشت ساز آزادی پا نهاده است. در این نبرد سهمگین جهانخواران امپریالیست-که یکی در تلاش استیلا، با اتکا به سرمایه دلال دولتی میکوشد کشور ما را به مستعمره مقرر و پرشگاه توسعه جویبهای بعدی خود مبدل سازد و دیگری از سنگر رقابت، با دمسازی با نیروهای رجعت گرا میخواهد جنبش آزادیبخش خلق ما را به بیراهه تاریک عقب ماندنی اسارت مخفی رهنمون شود در یک صف و خلق قهرمانی که با عشق شکوهمند به میهن و با دلبستگی غرور انگیز به نوامیس ملی در راه آزادی، رفاه و کرامت انسانی خود میرزمد در صف دیگر قرار دارد.» اولین اعلامیه ساما.

جانمایه تفکر شهید کلکانی و رفقای همزم اش اتکا بخود و مردم، عدم وابستگی به بیگانگان و خط مشی مستقل ملی و انقلابی است. باری (شهید عبدالقیوم رهبر) در مورد شهید کلکانی نوشت «در مرکز ثقل تئوری مبارزه مسلحانه شهید مجید انسان افغانی قرار داشت نه اسلحه و امکانات...»

دشمنی تاریخی امپریالیسم و ارتجاع با نیروی ملی مردمی هم از همان آغاز مقاومت ضد روسی شروع شد. از انجاییکه نیروی ملی دیدگاه، طرز تفکر و شیوه های متفاوت مبارزه و مقاومت داشتند که از اساس و بنیان با شیوه کار احزاب ساخته شده در پاکستان و ایران تفاوت داشت، نه تنها امپریالیسم خونخوار روس و جانیان خلق و پرچم به شکنجه و قتل و نابودی آنها پرداختند که نیروهای ارتجاعی نیز با چماق جهل و گرایش ظلمت طلبانه شان به کشتار و نابودی این نیرو پرداختند.

ضریبات پیهم از دو جانب استعمار و ارتجاع وابسته، با هدف نابودی و به بیراهه کشاندن و محتوای جنبش آزادی بخش ملی ما، برای نیروهای ملی و انقلابی آنچنان سخت و مهلک بود که با کمال تاسف امکان الترناتیف شدن این نیرو را ناممکن ساخت.

کمبود و خلاقیت حرکت منسجم، سازمان یافته و پر تحرک ملی که به مسایل اساسی کشور به طور ریشه ای برخورد کند و در برابر دشمنان رنگارنگ مردم ایستادگی نماید، دلیل تکتازی، استعمار و ارتجاع در مسایل مبرم و اساسی و سرنوشت ساز مردم ما است.

اکنون با وجود شکست قطعی امریکائاتو از یکسو و طالبان، احزاب ارتجاعی و دولت مزدور از سوی دیگر هنوز هم مردم ما نمیتوانند به آزادی ملی، دموکراسی واقعی، عدالت اجتماعی و صلح عادلانه و شرافتمندانه برسند. باز هم روی خونهای قربانیان جنگ معامله صورت میگیرد و سناریوی دردناک احتمال جنگ های داخلی قدرت و جنگ های نیابتی اعم از امریکا و ناتو با رقبای چین - روسیه و جنگ های همسایگان شرارت پیشه ای ما در انتظار مردم است.

مردم ما بار سنگین شکست سیاست و وابستگی را بر دوش های خسته و زخمی ۴۰ سال جنگ شان می کشند و عملتجربه کردند و آموختند که اتکا به بیگانه حاصلی جز اسارت و ذلت ندارد.

تاریخ و تجارب دردناک مردم ما برحقانیت تفکر راه و ارمان شهدای جنبش ملی و انقلابی کشور ما صحه میگذارد.

هواداران جنبش انقلابی مردم افغانستان (هجاما) به مناسبت چهل و یکمین سالگرد شهادت (شهید عبدالمجید کلکانی) بنیانگذار و رهبر سازمان آزادیبخش مردم افغانستان و جبهه متحد ملی افغانستان با راه و ارمان شهدای جنبش ملی - انقلابی بار دیگر تجدید میثاق می کند.

راه نجات با مردم است :

اکنون سالها است که رهبران و پیشکسوتان و فادار مردم در راه مبارزه به رسیدن به آرمانها و ارزو های مردم به شهادت رسیده اند. خاستگاه اجتماعی این رهبران هم همین مردم شجاع و بلاکشیده و دردمند مابود. رهبران واقعی از میان مردم برمیخیزند، از مردم میاموزند، مردم نیروی تسخیر ناپذیر و سر چشمه لایزال توانمندی ها است.

برای بیرون شدن از اوضاع کنونی در قدم اول باید مردم ما متحد شوند. وحدت مردم به مفهوم وحدت ملیت ها و اقوام برادر کشور است. نگذاریم توطئه های اجانب و همسایه ها و توطئه

های رهبران قدرت طلب خود فروخته مارا به ملیت، قوم و منطقه تقسیم و در گیر جهنم جنگ های خانمانسوز داخلی سازد. این اشتباه تاریخی هرگز نباید تکرار شود!

وحدت مردم به معنی جمع شدن بدور محور های قدرت احزاب و گروه های مرتجع و یا به اصطلاح سیاسیون نیست. این محور های قدرت باز هم در قمار چوکی و منصب پای معامله گری های نوین میروند.

وحدت مردم ما به مفهوم وحدت جوانان در کشور ما است. دختران و پسران جوان اکنون خوشبختانه بیدار و حساس اند و رویداد های سیاسی در کشور را با دقت و علاقمندی تعقیب می کنند. این نسل در میان خون و آتش دنیا آمده و بزرگ شده اند و هر روز هم در معرض خطر قرار دارند. از تجارب روزمره خود و خانواده هایشان آموخته اند که نسبت به اوضاع و وقایع با هوشیاری برخورد نموده و رویداد ها را با دید کنجکاو و انتقادی مورد بررسی قرار دهند. در مرحله کنونی آگاهی این نسل بزرگترین سرمایه ملی مردم و کشور ما است.

زنان در چهار دهه اخیر متحمل بزرگترین قربانی های جنگ شدند. زنان در این سال ها بمباردمان، کشته، زندانی، شکنجه شدند، مورد تجاوز قرار گرفتند، آواره شدند و بار رنج و مشکلات از دست دادن مردهای خانواده را بر شانه های دردمند و صبور شان کشیدند.

زنان در جنگ مقاومت ضدروسی بار و مشکلات لژستیکی این جنگ را بر دوش توانمند شان کشیدند و این کار را در پهلوی مسئولیت های روزمره شان بیسروصدا و بدون هیچ دستمزد و توقعی انجام دادند. پاداش این زحمات بدبختی ها و عواقب خانه جنگی های کابل و برخورد غیر انسانی، قتل و کشتار تجاوز و توهین و تحقیر آنها بود. با قدرت رسیدن گروه های ارتجاعی بدنبال آن طالبان در حق زنان بیشترین ظلم و بیعدالتی و بی حرمتی صورت گرفت و از همه حقوق انسانی محروم گردیدند. حق درس خواندن و کارکردن را از دست دادند و همه زنان زندانی چهار دیواری ویرانه هایشان شدند.

تجاوز امریکا - ناتو در سال ۲۰۰۱ در پهلوی مبارزه با تروریسم زیر نام دفاع از حقوق زنان در افغانستان صورت گرفت. مافیای دستگاه تبلیغاتی غرب از شرایط زندگی زنان زیر سلطه شریعت طالب برای خاک پاشی به چشم مردم ما و جهانیان سواستفاده کردند. اکنون بعد از بیست سال با تروریست های زن ستیز طالب در میز مذاکرات، سرنوشت زنان کشور ما را به معامله میگذارند.

وحدت مردم ما به مفهوم وحدت زن و مرد کشور برای دفاع از قاطبه ارزش های ملی و انسانی است. حضور و نقش آگاهانه، گسترده و فعال زنان در همه امور اقتصادی، اجتماعی سیاسی اصل اساسی و انکار ناپذیر است.

طرح انحلال ارتش و پلیس به نفع مردم مانیست و زمینه هرج و مرج بیشتر و سو استفاده برای جنگ های داخلی را بیشتر مساعد میسازد. سربازان و افسران و طنپرست باید زیر بیرق افغانستان برای دفاع از سرزمین، غرور و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی با مردم افغانستان متحد شوند. نگذارند غرور و حیثیت ملی شان را توطئه های وطن فروشان، استعمارگران و همسایگان پایمال کنند.

وحدت و همدیگر پذیری مردم ما برای بیرون رفتن از بحران کنونی سرنوشت ساز است. هموطنان عزیز! برای افغانستان ازاد و مستقل برای صلح عادلانه و شرافتمندانه برای به محاکمه کشاندن متجاوزین و جنایتکاران جنگی، علیه جنگ های داخلی و برادر کشی، علیه جنگ های نیابتی در کشور ما به پا خیزیم و متحد شویم.

نیروهای ملی-انقلابی، عدالت خواه، روشنگر، پیشرو و متعهد! اکنون مقطع حساس و برهه سرنوشت ساز برای مردم و کشور ما است. زمان یک حرکت فراگیر ملی در همه ابعاد مبارزاتی فرا رسیده است. باید بر بحران پراگندگی و ندانم کاری غلبه کنید. شما وظیفه و مسئولیت دارید که از موضع منافع ملی مردم به دفاع برخیزید.

هژدهم جواز روز شهدای جنبش ملی و انقلابی کشور را گرامی میداریم.

هواداران جنبش انقلابی مردم افغانستان هجاما

۱۸ جوازی ۱۴۰۰.